



دانشته

آمارسازان ماهر

لیگ به اصطلاح برتر فوتبال و چند نکته

پیوند با مردم

راز ماندگاری قهرمان ورزشی

کاراته استان اوج می گیرد

به شرطی که

در آستانه سال نو

ورزش در استان ؛ آری یا نه

فضول باشی و سایه شوم

نتیجه تکبر ورزیدن

قصه علی مرادی

فدراسیون وزنه براری و ورزش اردبیل

در آستانه سال نو.....

سال گذشته را پشت سر می گذاریم در سالی که گذشت هرچه در توان و قدرت داشتیم در ادای وظیفه کوتاهی نکردیم برای بیان واقعیتها و دوری از حاشیه ها و پرداختن به متن، همه داشته های خود را به کار گرفتیم هرچند که از اشتباه و خطا نیز دور نبودیم. فرا رسیدن سال نو را تبریک می گوئیم برای جامعه اسلامی و مردم عزیز و قهرمان ایران از درگاه خداوند توفیق روزافزون آرزو کرده و به همه همراهان و یاران صمیمی چه در نشریه و چه در پایگاه خبری، سال جدید را تبریک گفته آرزو می کنیم که سالی سرشار از موفقیت و پیروزی توأم با نشاط و سلامتی در انتظار همه آن ها باشد.

برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و تغییر مدیریت استان اردبیل یکی از تلفیقات و رویدادهای قابل توجه در سال گذشته بود. استان انتظار دارند تغییر و تحول انجام یافته، اثرات خود را در کوتاه زمان ممکن نشان بدهد و در گام اول با به کار گیری نیروهای متعهد و سپردن امور ادارات کل و نهادهای افراد کارداران و کاربلد، انقلابی در سیستم اداری استان به وجود آید. گذشت نزدیک به شش ماه از شروع فعالیت به نظر می رسد که انتظارات، حداقل از بابت تغییر مدیران برآورده نشده است. بلا تکلیفی در برخی از مجموعه ها در حل مشکلات مردم می تواند تأثیر منفی داشته و موجب نارضایتی شود. امید است در سال جدید و در کم ترین زمان ممکن در این ارتباط به همه اگرها و اماها پایان داده شود.

برای ورزش استان، سالی که گذشت سال چندان مطلوبی نبود. شرایط کرونایی، تعطیلی اماکن ورزشی، لغو برخی از مسابقات قهرمانی کشور، قضاوت در مورد عملکرد مسئولین ورزش استان با مشکل مواجه می کند. باین حال نمی توان در وجود فاصله بین وضعیت فعلی ورزش تا وضعیت مطلوب آن شک و تردید کرد. بین آن چه ورزش اردبیل است تا آن چه باید باشد و حقایق هم هست که باشد فاصله زیادی وجود دارد. امیدواریم که در سال جدید تلاش ها و دوندگی ها برای پر کردن این فاصله آغاز و سرنوشت خوبی برای ورزش اردبیل رقم زده شود.

پروردگارا، ما را از شر چاپلوسان، متکبران و خائنین به دین و نظام و انقلاب محافظت بفرما. آفریدگارا، ورزش استان و شهر اردبیل را از چنگال نان به نرخ روز خوره های تبلیغدار و دشمنان دوست نما، در سال جدید نجات بده.

پروردگارا، جوانان ما را در راه رسیدن به موفقیت حامی باش و با تجربه ها را در انتقال تجربه ها به جوانان لایق و آینده دار لین سرزمین مساعدت فرما. آمین یا رب العالمین

موضوع هفته



ما را در فضای مجازی دنبال کنید

@donya_ardebil

ورزش در استان؛ آری یا نه

امیدوار باشیم که در سال جدید ورزش استان روزها و هفته ها و ماه های پربرکتی داشته باشد. امیدوار باشیم که در سال جدید به همت و غیرت و تلاش مسئولین و در نهایت همه عناصر دلسوز و متعهد، ورزش در مسیری حرکت بکند که بتواند در جامعه نشاط آور و شعور آفرین باشد.

امیدواریم در سال جدید آن هایی که در ایجاد جو کاذب و هیاهو برای هیچ، همیشه پیش قدم بوده اند از کرده خود پشیمان بشوند و فکر و اندیشه تخریب جریانات سالم ورزش را از ذهن خود دور نمایند.

امیدواریم مسئولین استان به خواسته های به حق و منطقی جوانان ورزشکار اهمیت قائل شوند و با درک موضوع و با حفظ ظرافت ها از عهده مهمی چون حمایت تمام قد از ورزشگاه برآیند و به اهداف مورد نظر دست یابند.

ورزش به عنوان پدیده ای فراگیر و جهانی در سطح استان، علاقه مندان بی شمار دارد. این واقعیتی غیرقابل انکار است. نمی توان چشم بر این واقعیتها بست و از فراهم آوردن نیازها و تأمین زیرساختها غفلت کرد.

امیدواریم در سال جدید مسئولین منطقه با احساس مسئولیت در قبال ورزشکاران و آینده سازان ایران اسلامی وارد عرصه و صحنه بشوند و برای تأمین نیازها برنامه ریزی کرده و با همتی مضاعف از هیچ کوششی دریغ نمایند.

باید موضع مسئولین و تصمیم گیرندگان استان، روشن و مشخص بیان شود که آیا می خواهند در استان، ورزش داشته باشند یا نه؟ دوست دارند که در میدان های مختلف، موفقیت و پیروزی های جوانان منطقه را شاهد باشند یا نه؟ آیا تمایل دارند که ورزش را امری لازم و ضروری برای قشر جوان و در نهایت کل جامعه بدانند یا نه؟ آیا قبول دارند که باید بهای لازم و توجه کافی به ورزش چه در ابعاد قهرمانی و چه در ابعاد همگانی داشته باشند یا نه؟

می دانیم و می دانند که هیچ وقت با حلوا گفتن دهان شیرین نمی شود. ورزش استان برای شکوفایی نیاز به عمل دارد. هرچند که در سطح کشور بحث گفتار درمانی و سرگرم کردن مردم با حرف و سخن باید به پایان خط برسد ولی در ورزش استان این امر همچنان چشم ها را خیره می کند و طرفداران و هواداران زیادی دارد.

تا نقشه راه ترسیم نشود و هر آنچه باید انجام بشود در اختیار مردم قرار نگیرد و تا رصد اقدامات در دستور کار نباشد امکان یک گام به جلو در ورزش ما غیرممکن خواهد شد.

برای این که اوضاع ورزش سروسامان بگیرد دعوت به کار افرادی که دغدغه ورزش دارند و مصالح آن را ارجح می دانند امری ضروری است. آن هایی که سالها در ورزش استان و مدیریت رشته های مختلف ساکن دار بوده اند مردانگی بکنند و در سال نو به

عملکرد خود نگاهی دوباره بیندازند و با توجه به نهیب وجدان، بهترین تصمیم را بگیرند

اوضاعی که در حال حاضر دامن گیر برخی از رشته های ورزشی است، نتایج عملکرد کسانی است که خودسرانه و بدون توجه به انتقادات و نصایح دلسوزان بر مسند قدرت تکیه زده و در آن یک تازی نموده اند. وضعیت تأسف آور گروهی از رشته ها که نمایندگان در سال های اخیر با شکست ها هم آغوش بوده اند دستپخت کسانی است که جز ظاهرسازی و حمایت از افراد معدود و نظر کرده و زیر پا گذاشتن قوانین و مقررات، کار دیگری نداشته اند.

مسئولین استان همان قدر که به تجارت، اقتصاد، صنعت و... اهمیت می دهند باید به ورزش نیز در ردیف آن ها نه کمتر و نه بیشتر، توجه بکنند. اگر در جهت تعلیم جوانان سالم و بانشاط اقدام نشود، بدانند که به مسئولیت خود در قبال ورزش و ورزشکاران و افتخار آفرینان عمل نکرده اند.

سروسامان بخشیدن به امور ورزش در سال جدید در همه ابعاد از جمله مدیریت و تعیین تکلیف آن ضروری است ورزش اهمیت اش کمتر از دیگر مقوله ها نیست. به ورزش توجه کنید و هر گونه ادعا در این رابطه را در عمل نشان بدهید.

فضول باشی و سایه شوم

فضول باشی خیلی خوشحال بود. از شادی در پوست نمی گنجید، خنده از روی لب هایش محو نمی شد، همه اش می گفت: جانم و ای جانم، نمرودیم و سایه شوم ورزش اردبیل را شناختیم، عامل بدبختی ورزش و برخی از رشته های ورزشی چون فوتبال معرفی شد، چقدر بی تفاوت بودیم و در این سال ها در آستین خود دشمن پرورش می دادیم. باید کسانی را که با ترفند های مخصوص و شگردهای ناب، عملیات محیرالعقول و برنامه ریزی خاص سایه شوم ورزش اردبیل را شناسایی کردند، بوسید و مدال افتخار کاشف سال اردبیل را به آن ها اعطا کرد.

اگر از اطرافیان خجالت نمی کشید بعید نبود که از فرط شادمانی حرکات موزون نیز انجام دهد، دور خودش می چرخید و مدام می گفت: "سایه شوم ورزش اردبیل اعدام باید گردد"، "سایه شوم فوتبال بیچاره باید گردد".

گفتم: چه خیر است؟ چرا مثل لاستیک های پنجر دور برداشته ای؟ تو را تاکنون چنین سر حال ندیده بودم، ما را نیز بی نصیب نکن، در این فضای گرانی شب عید، جار و جنجال طرح صیانت و دعوی دسته جمعی در شمال استان باید اتفاق خیلی مهمی افتاده باشد که تو بشکن می زنی و سر از پای نمی شناسی؟

فضول باشی نفسی چاق می کند، دستی به سر و صورتش می کشد و همچون معرکه گیران نگاهی به اطراف می اندازد و می گوید: یعنی تو نمی دانی؟ یعنی تو سایه شوم ورزش استان را نمی شناسی؟ یعنی پیام ها به تو نرسیده و تو این قدر بی خبر از اوضاع و احوالی؟ باورش سخته، خودت را به کوچه علی چپ مزن و بیا بنشین و بگو که علت این نامگذاری و شوم بودن سایه ات در ورزش را بگو. حتما پشت پرده این نامگذاری حکمتی وجود دارد. این ها را بگو و حال امروز ما را کامل بکن.

گفتم: افاضه می فرماید. این طور که می گوید من سایه شوم ورزش اردبیل هستم و خیلی هم عالی.

دست کسانی که این اصطلاح را به کار بردند، درد نکند. حداقل تو یکی را که سالی یک بار هم از ته دل نمی خندیدی این طور به وجد آورده اند. ولی اگر حوصله داری برای تو ابعاد مختلف این لقب سال را می توانم به طور خلاصه توضیح بدهم. خوب گوش کن و در وسط حرف هایم با پاهای بدون جوراب وارد نشو.

مگر در ورزش صاحب پست و مقام و میز و صندلی هستم و یا در فدراسیون ها به نام ما کرسی وجود دارد که سایه ما شوم باشد و مانع از پیشرفت کارها.

معمولاً سایه شوم مال کسانی است که در ورزش صاحب منصبانند و قدر قدرت اند و زور دارند. سایه ما هرچقدر هم که بدشگون باشد و نامبارک، چون در امور اجرایی ورزش دخالتی نداشته و بر صندلی مدیریت رشته ها تکیه نکرده ایم، اثرگذار نمی تواند باشد. وای از کسانی که در ورزش ما جولان می دهند و سایه شومشان سالهاست بر آن حاکم بوده و دمار از روزگارش درآورده اند. سایه ما هرچقدر هم که شوم باشد، خیال آقایان راحت، در امور اجرایی هیچ وقت تأثیرگذار نخواهد بود.

ولی اگر بعد رسانه ای را در نظر بگیریم حق با آن ها می باشد. چرا که سایه ما بر سر آن هایی که در ورزش اقدامات غیرقانونی و خودمحوارانه بکنند، گسترده است. کسانی که بیش از ده سال در این استان، مدرک تحصیلی کاردانی را به جای کارشناسی به کار گرفتند و یا ۲۸ سال سن را به جای ۳۵ سال سن قرار دادند و یا شرط دارا بودن پنج سال سابقه مدیریت را برای کسانی که حتی یک کلاس درس را اداره نکرده بودند، مباح شمردند و یا استعمال برخی از اعضای هیئت رئیسه را بر خلاف قانون در نظر نگرفتند، سایه رسانه ما را شوم که چه عرض کنم حتی بالاتر از آن باید قلمداد نمایم.

آن هایی که دوست دارند در ورزش استان خود ببرند و بدوزند وقتی با افشاگری ها و بیان واقعیت ها از طرف ما روبرو شوند، حق دارند سایه ما را

فضول باشی

و کفاشیان همیشه خندان

فضول باشی به مرد خنده روی تحمیلی فوتبال علاقه وافری دارد. همان آقایی که از دوومیدانی در فوتبال این مملکت سبز شد و با بهره گرفتن از هوش سرشارش، سالها بر اریکه قدرت در فوتبال تکیه زد و تا می توانست در تقویت باند تحت فرمانش تلاش کرد و زمینه حفظ بافت مجمع و راحتی خیال از بابت آرای بالای مجمع را فراهم نمود.

همان مردی که کفاشیان اش می نامند و فوتبال استان اردبیل هیچ وقت محبت های بی پایان و اقدامات سازنده اش در ارتباط با ضربه زدن به آن را فراموش نمی کند همان مسئول خدمت گذاری که حتی در زمان نایب رئیسی اش در فدراسیون، مجمع انتخاباتی استان اردبیل را از دست نمی داد و به هر وسیله ای ممکن خود را به اردبیل می رساند تا به خواسته های خود و دوستانش جامه عمل بپوشاند و از به هم خوردن ساختار مجمع برای روز مبادا جلوگیری نماید و بر حفظ منافع دوستان و آشنایان و همشهریانش تاکید نماید.

همان مرد همیشه خندان که حال و روز فعلی استان دستپخت دوستان گوش به فرمانش بوده است.

فضول باشی از طریق تلفن به من گفت: شنیدی که کفاشیان بدجوری دلش به حال فوتبال ایران سوخته و فرموده است که برای فوتبال ما خوب نیست که با سرپرستی اداره بشود؟

گفتم: خوب دیگر چه فرمودند؟ آیا نگفتند که وضعیت امروز حاصل مدیریت چندین ساله او و دوستان و یارانش بر فوتبال این مملکت است؟ آیا نفرمودند که دوست دارند بازم ببینند و منت بر سر فوتبالی ها بگذارند و بهره بردن از قدرت تصمیم گیری و عنایت به رفقا را نصب فوتبال مملکت نمایند و با قدرت در اختیار هیات های استانی باشند؟

نگفتند که می خواهند در آستانه جام جهانی به فوتبال برگردند و همراهان و رفقا را برای تماشای بازی ها به ذکر بفرستند و در خدمت صاحبان رأی مجمع باشند؟

گفتم: برادر این همه هزینه داده شده تا اثرات مدیریت کفاشیان ها، تاج ها، بهاروند ها و طالقانی ها از فوتبال زدوده شود فوتبالی ها چقدر باید از یک سوراخ گزیده شود؟ آیا برای این فوتبال باز هم باید تاج ها و کفاشیان ها ببینند و طالقانی ها و بهاروند ها را حاکم بکنند و آن ها بر اساس خواسته هایشان به استان ها عناوین مختلف از جمله قرار گرفتن در میان استان های برتر هدیه بدهند؟ ببینند در استان ها بگردند و سیاحت بکنند و به ریش هواداران فوتبالی ها بخندند؟

نه، دوران آن گونه رفتارها به پایان رسیده و پرونده افرادی چون کفاشیان ها و تاج ها در فوتبال مملکت بسته شده است و حالا نوبت هواداران دو آتش و سینه چاکان دل سوخته آن ها فرا رسیده که در نقاط مختلف کشور کارنامه در زیر بغل، روانه منازلشان بشوند تا برای مدتی فوتبال این مملکت را از همه محبت ها، عنایت ها، خدمت ها بزرگی شان بی نصیب فرمایند.

گفتم: راست گفتی، فوتبال کشور به یک خانه تکانی نیاز دارد. خانج تکانی که بتواند فوتبال این مملکت را از کنگر خورده های لنگر انداخته نجات بدهد. این شاله.

توبوغوندا گولمغی گلسین". یا حق.

پیوند با مردم

راز ماندگاری قهرمان ورزشی

عمر قهرمانی و درخشش در میادین ورزشی کوتاه است. تنها کسب مدال، بالا رفتن از سکو و برخورداری از عناوین قهرمانی نمی‌تواند محبوبیت دائمی یک ورزشکار را تضمین بکند.

در ورزش استان می‌توان به این ادعا، مثال‌های متعددی ذکر کرد. افرادی که در ورزش آقایی کرده و نام و یاد برای خود دست و پا کرده اند ولی همه این برتری‌ها به دوران بودن در عرصه ورزش و قهرمانی خلاصه شده تا جایی که بعد از خداحافظی به زودی فراموش شده و مردم یادی از آن‌ها نکرده و نمی‌کنند.

ورزشکاری که در یک مقطع زمانی حرف اول در میدان رقابت را زده ولی قادر به برقراری پیوندی سرشار از عاطفه و محبت با مردم نبوده نمی‌تواند بر دل و چشم آن‌ها جای گیرد و برای همیشه در ذهن‌شان به عنوان قهرمان جا خوش نماید.

با سفارش، تهدید و ارعاب و این در و آن در زدن نمی‌تواند در ماندگاری یک ورزشکار در تاریخ نقش ایفا نماید. مردم دوست دارند قهرمانان شان در کنار درخشش در میادین رقابت به مجموعه‌ای از صفات انسانی مسلح شوند. جوانمردی، گذشت، شجاعت، تعصب، غیرت و همتف فداکاری، تواضع، فروتنی و... از جمله صفات حمیده‌ای هستند که در نظر مردم، اهمیتی بالاتر از مدال و عناوین قهرمانی دارند.

ورزشکاری که پس از قهرمانی از باده غرور مست نشود و همراه با پیشرفت و نام آوری سر به زیر گردد و برای استحکام پیوندش با مردم، صداقت و رعایت اصول اخلاقی را وظیفه پندارد، بدون شک نام و یادش در سینه‌های مردم به یادگار می‌ماند و رفتار و کردارش زینت بخش صفحات کتاب تاریخ ورزش می‌شود.

قدردانی از ویژگی‌های بارز مردم ایران زمین است. نام آوران عرصه ورزش و اخلاق چه در قید حیات باشند و چه چشم از دنیا بسته باشند مورد احترام هستند. در هفته‌ای که گذشت به مناسبت سالروز درگذشت ورزشکاری که در کنار خصوصیات فنی از ویژگی‌های اخلاقی منحصر به فردی بهره می‌برد مراسمی برگزار شد که اثبات کننده ادعای علاقه‌مندی مردم به قهرمانان واقعی می‌باشد.

حضور مردم و مسئولین در مراسم گرامی داشت مرحوم ناصر عروجی نشان دهنده پیوند ژرف و ناگسستنی آن‌ها با فعالین صادق و تمام عیار ورزش می‌باشد.

نتیجه تکبر ورزیدن

توسعه فضای مجازی و افزایش روزافزون فعالان آن، در بحث خبر و خبر رسانی جایگاه جدیدی تعریف کرده و با کمک این فضا به راحتی امکان فعالیت و قرار گرفتن در لیست خبرنگارها برای همه فراهم شده است.

فضای مجازی از جنبه اطلاع رسانی به موقع، دارای موقعیت خاصی است و این ویژگی، این فضا را در جهت انعکاس مشکلات و نارسایی‌ها و نقاط قوت و منفی مسئولان در صف مقدم اطلاع رسانی قرار داده است.

این جایگاه تا زمانی که در بند بیان واقعیت‌ها باشد ستودنی است ولی وقتی به وسیله‌ای برای خالی کردن عقده‌ها، دست‌یابی به مقاصد شخصی و بانندی، تخریب افراد و منفعت‌طلبی باشد به آفتی بزرگ تبدیل می‌شود که خسارت حاصل از آن در ایجاد شکاف بین افراد و خدشه دار کردن روابط و افزودن به خصومت‌ها و گلاجه‌ها غیر قابل جبران می‌شود.

برخی از آن‌هایی که با یک گوشی هوشمند در فضای مجازی میدان دار می‌شوند و خود را در چگونگی اداره امور جامعه، صاحب نظر می‌دانند در دام تکبر گرفتار می‌شوند و دست به کارها و اعمالی می‌زنند که جز التهاب آفرینی و بازی با آبروی افراد و ایجاد دل‌سردی در بین مسئولان نمی‌تواند حاصل دیگری داشته باشد.

تکبر در لغت به معنی خود برتر بینی و بزرگی فروختن به دیگران است. آدم متکبر به کسی می‌گویند که خود را بالاتر از دیگران ببیند و خود را برتر و بالاتر تلقی نماید.

در آستانه سال نو دقت بکنیم و آن‌هایی را که تکبر در جان و پودشان لانه کرده است دوستانه مورد خطاب قرار داده و از خطرناک بودن راهی که در پیش گرفته اند آگاهشان سازیم.

شنیدن داستان عمروبن شیبه می‌تواند برای متکبرین گره گشا باشد. آن را با هم مرور بکنیم:

عمروبن شیبه می‌گوید: من بین صفا و مروه در مکه مکرمه مردی را دیدم که سوار بر اسبی شده و اطراف او را غلامانی گرفته اند و مردم را کنار می‌زنند تا او سعی بین صفا و مروه را انجام دهد.

مدت‌ها از این واقعه گذشت و من به شهر بغداد رفتم. در یکی از روزهای اقامت در بغداد بر روی پل معروف شهر راه می‌رفتم. مردی را دیدم که لباس‌های مندرس پوشیده و پابرهنه است و موهای بلندی دارد. به او نگاه کردم و در صورت او خیره شدم.

او به من گفت: چرا به من نگاه می‌کنی؟

گفتم: تو را شبیه مردی دیدم که در مکه بین صفا و مروه او را دیدم که با تباخر و سوار بر مرکب حرکت می‌کرد.

آن شخص ژولیده گفت: من همان مردی هستم که در مکه او را دیده‌ای!

گفتم: چرا به این وضع درآمدی؟

گفت: در آنجا که همه مردم در برابر خدا متواضع هستند من تکبر ورزیدم و تباخر کردم، در اینجا که مردم رفعت مقام دارند (و هر کس برای خود شخصیت و شغل و زندگی آبرومندی دارد) خداوند مرا ذلیل کرد و بر زمین زد.



قصه‌ی علی مرادی

فدراسیون وزنه‌برداری و ورزش اردبیل

بعد از گذشت روزها و هفته‌ها مسئولین ورزش کشور موفق به حل مسئله‌ای ای به نام علی مرادی و فدراسیون وزنه‌برداری نشده‌اند. یک روز بازنشسته است و باید برود و روز دیگر برمی‌گردد و دگر روزی می‌گویند تا روشن شدن معمای بازنشستگی‌اش باید بماند و در وزنه‌برداری حکومت بکند.

چه اصراری برای ماندن وجود دارد؟ این قبیل آقایان عجب عاشق و شیدای خدمت می‌باشند. چرا نمی‌توانند دل از میز ریاست بکنند و امور را به جوانان بسپارند؟ چه حکمتی در کار است که تا کسی در مسئولیتی قرار می‌گیرد چنان شیفته‌اش می‌شود که دل کندن از آن غیرممکن می‌شود؟ این آقا مرادی ما هم خیلی عشق خدمت به وزنه‌برداری دارد. کاش روزی پشت پرده‌های علاقه‌مندی، ارادت و وابستگی خیلی‌ها به ریاست افشا شود تا میزان خلوص، عیار و وابستگی



آن‌ها به مردم و یا میز و صندلی قدرت بر همگان روشن و آشکار گردد. خلاصه از آن روزی که بازنشستگی مرادی بر سر زبان‌ها افتاد گروهی دیگر از خدمت‌گزاران مردم آستین همت بالا زدند و قرار گرفتن در جایگاه مرادی را هدف گرفتند و تا می‌توانستند رایزنی کردند و به این و آن در زدند. خلاصه از آن روزی که بازنشستگی مرادی بر سر زبان‌ها افتاد گروهی دیگر از خدمت‌گزاران مردم آستین همت بالا زدند و قرار گرفتن در جایگاه مرادی را هدف گرفتند و تا می‌توانستند رایزنی کردند و به این و آن در زدند.

مشغول‌الذمه باشید که نامزدهای مدیریت ورزش و جوانان اردبیل را شایسته قرار گرفتن در این پست و به دست آوردن سکان هدایت ورزش ندانید. ای کاش قانون اجازه می‌داد و برای اردبیل امکان انتخاب و انتصاب چندین مدیرکل هم‌زمان برای ورزش فراهم می‌شد. در این صورت دیگر کسی از دیگری دلگیر نمی‌شد. مجموعه‌ای از مدیرها برای ورزش اردبیل نسخه پیچی می‌کردند و برای هرچه بیشتر زمین گیر کردنش برنامه‌ها در نظر می‌گرفتند. اگر رفتن انوشیروانی به فدراسیون طول بکشد هر روز بر تعداد نامزدهای مدیریت ورزش استان اضافه می‌شود و شاید روزی برسد که کل استان در ردیف دلدادگان مدیریت ورزش قرار بگیرند.

چرا این همه علاقه مند به مدیریت در ورزش استان؟ آیا خدمت بی منت به ورزش فقط در صورت مدیرکل شدن ممکن هست و غیر از آن شدنی نیست؟ آیا خدمت بی منت به ورزش تنها در صورت پوشیدن ردای مدیریت حاصل می‌شود؟ آیا افرادی که می‌گویند "انارجل"، لیاقت و شایستگی به دست آوردن این پست را دارند؟ آیا کار کردن در ستاد یک نفر و وابستگی به یک شخص و برخورداری از حمایت عده‌ای همیشه طلبکار در ورزش برای تحویل گرفتن کلید اتاق طبقه سوم ساختمان میدان ورزش کافی است؟

مطمئن بعداز پخش خبری مبنی بر ماندن علی مرادی و ادامه کارش در فدراسیون، تب و تاب مدیریت جدید ورزش اردبیل تا حدودی فروکش می‌کند ولی این قصه همچنان ادامه خواهد داشت چراکه خیلی‌ها معتقدند انوشیروانی در هر صورت مدیریت اش در اردبیل کم کم به انتهای خط می‌رسد و ممکن است با تلنگری ناشی از تغییر مدیران دولت تدبیر و امید به لرزه درآید ولی او به عنوان یک قهرمان ملی چه در رأس ورزش اردبیل باشد و چه در بخش دیگری مشغول شود برای ورزشی‌ها قابل احترام و افتخار می‌باشد. و در نهایت در چه زمانی خواب مدیریت برخی‌ها تعبیر می‌شود خدا می‌داند و گذر زمان چگونگی آن را مشخص و روشن خواهد کرد.

وقتی گفتند که علی مرادی باید برود سلسله ارتباطاتی و تلاش باندی و گروهی استارت زده شد. اسم چهار نفر بیشتر از دیگران مطرح گردید سه نفر اردبیلی و یک قائمشهری را داوطلب ریاست فدراسیون معرفی کردند.

اردبیلی‌های این جریان، حسین رضازاده، سجاد انوشیروانی و سعید علی حسینی بودند. در بین این نامزدهای احتمالی سجاد انوشیروانی به خاطر برخی مسائلاتفاق افتاده در گذشته، گویا بیشتر به این کار تمایل داشته‌است.

بعد از شکست وی در مقابل مرادی در آخرین مجمع انتخاباتی فدراسیون از همین فردایش اسب خود را برای قرار گرفتن در جای او زین کرد و حتی عده‌ای اعتقاد دارند که تمایل اش برای مدیریت ورزش و جوانان اردبیل نیز در راستای هموار کردن راه رسیدن به صندلی فدراسیون بوده‌است. البته این‌ها روایت است که صحت آن را باید خود انوشیروانی تأیید کند.

هر روز خبری از انتصاب سرپرست فدراسیون به گوش می‌رسید و روزها بود که ورزش اردبیل تحت تأثیر این امر قرار گرفته بود چراکه اگر انوشیروانی سرپرست فدراسیون می‌شد باید تکلیف ورزش و جوانان اردبیل را روشن می‌کردند.

در هفته‌ای که گذشت شایعه‌ای مبنی بر امضای حکم سرپرستی انوشیروانی در شهر پخش شد و به یک باره شوق خدمت خیلی‌ها فوران کرد و فکر رسیدن به مدیریت ورزش استان آرامش آن‌ها را برهم زد.

دوندگی‌ها آغاز شد. تلفن‌های همراه فعال گردید و خلاصه هر کسی که عشق خدمت به دل داشت قد برافراشت و خود را فردی لایق، شایسته و سزاوار برای قرار گرفتن در رأس مدیریت ورزش استان قلمداد کرد.

فکرهای بد نکنید. اثری از علاقه‌مندی به قدرت و حکمرانی در نزد آن‌ها در دلتان نباشد. بدانید که حلالیت گرفتن این روزها خیلی سخت شده‌است. البته طبیعی است آدم دلداه خدمت بی‌منت باشد و برای به دست آوردن آن چندین جفت کفش گران‌قیمت و مرغوب پاره بکند و آن گاه برای وی به چشم یک مقام پرست نگاه بکنند.

دلنوشته

هرگز نیازموده کسی را مدار دوست

از حرف تا عمل

یکی از بیماری‌هایی که دامنگیر ورزش ما می‌باشد روی آوردن به حرف زدن و در اولویت قرار گرفتن وعده‌ها و پناه بردن به دامنه اعداد و ارقام است.

در هر فرصتی که به دست آید به این مورد اشاره کرده و از همه کسانی که در ورزش صاحب منصب هستند خواسته شده که کیفیت را فدای کمیت نکنند و برای پر بار نشان دادن پرونده عملکردی فقط حرف نزنند و سخن گفتن و فخر فروشی الکی را جایگزین عمل ننمایند.

از گفته ناکرده‌ی بیهوده چه حاصل

کردار نکو کن که نه سودیست ز گفتار

کسی که حرف می‌زند و قول می‌دهد اگر به موقع به آن عمل نکند، پیمان شکنی کرده است. این روزها خلف وعده در ورزش و به خصوص در برخی از رشته‌های ورزشی بیشتر دیده می‌شود.

مولا علی (ع) می‌فرماید: "بر دوستی کسی که به عهد و پیمان خود وفا نکند اعتماد مکن".

جامعه ورزش از مسئولینی که فقط حرف می‌زنند و گفته‌هایشان را عملی نکرده و به وعده‌ها جامه تحقق نمی‌پوشانند باید دوری نمایند و با تمام قدرت از طرد آن‌ها از جامعه ورزش حمایت کنند.

پیر پیمان‌کش من که روانش خوش باد

گفت پرهیز کن از صحبت پیمان‌شکنان

مردان مرد

ورزش ما برای رسیدن به موفقیت چاره‌ای جز وحدت و حضور در صحنه همه دل‌سوختگان و علاقه‌مندان ندارد. اگر صاحبان اصلی در صحنه باشند برای چاپلوسان، عوضی آمده‌ها و فرصت‌طلب‌ها فضا تنگ خواهد شد.

برخی‌ها از شکاف به عمل آمده از دوری صاحبان اصلی استفاده کرده و در آن رخنه نموده و کار را به جایی رسانده‌اند که به "گور می‌گویند عینعلی و به کچل می‌گویند زلفعلی". آن‌ها برای این که موقعیت خود را از دست ندهند حرف‌های دلسوزانه و ناصحانه بزرگان ورزش استان را به انحراف می‌کشاند و از هر وسیله‌ای برای ماندن در قدرت استفاده می‌کنند.

تا در ورزش ما رشته اصلی در اختیار مردان مرد نباشد امیدواری برای بهبود اوضاع آن سربازی بیش نخواهد بود. جان فدای نفس نادره مردانی باد

که کم‌وبیش نگرندند به هر بیش و کمی

سایه شوم

متأسفانه در ورزش ما ناف عده‌ای را با دروغ و خدعه و نیرنگ و تهمت پیوند داده‌اند. کسانی که به ناحق در ورزش

به جایگاهی رسیده‌اند همیشه در فکر ایجاد سدی قوی و محکم در مقابل حق‌گویی‌ها هستند.

آنچه در جامعه ورزش مقبول‌تر است، حق‌گویی است و هر چه این حق‌گویی فارغ از پیرایه باشد، صریح و بی‌واسطه و بی‌غل‌وغش باشد، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ورزشی‌های اصیل و ریشه دار هیچ وقت با تبعیض کنار نمی‌آیند. تبعیض همان است که از دامن ظلم برمی‌خیزد و ابهام و دروغ و فریب و دغل‌کاری را به استخدام درمی‌آورد.

عده‌ای همیشه در کمین هستند که به نوعی قلم منتقد را بشکنند و دهان آن‌ها را ببندند. آن‌ها برای رسیدن به هدف هر اقدامی را شایسته و روا می‌پندارند و روی این اصل اگر نتوانند به روش‌هایی آن‌ها را تطمیع و وارد حوزه و دایره باند و گروه خود بکنند به هتک حرمت، دروغ پراکنیف شایعه‌پرازی و تهمت روی می‌آورند.

هر فردی که در صحنه ورزش فعال است به اندازه‌ی توان، قدرت و فهم و درکش می‌تواند مثمرتر باشد. انتظار این که همه در یک سطح باشند و رفتار و کردارشان شبیه هم بوده باشد توقعی غیر منطقی است. بیشتر مسئولین ما در ورزش و هیئت‌های ورزشی معتقدند که همه باید به مانند آن‌ها فکر کنند و بر خلاف نظر آن‌ها حرفی زدن و سخنی گفتن را گناهی بزرگ می‌دانند ولی باید بپذیرند که همه مجبور نیستند چون آن‌ها ببیندیشند و غلام حلقه به گوش آن‌ها باشند.

بلبل به باغ و جغد به ویرانه ساخته

هر کس به قدر همت خود خانه ساخته

حالا وقتی نوشته‌های ما را در مسیرحق می‌بینند و دلایل قانع‌کننده‌ای برای رد کردن آن‌ها ندارند چاره‌ای جز روی آوردن به حاشیه و طرح مسائل پیش افتاده برای فریب افکار عمومی نخواهند داشت.

گاهی ما را "سایه شوم" ورزش اردبیل تلقی می‌کنند. مگر در عرصه ورزش تصمیم‌گیر هستیم و صاحب قدرت که سایه ما شوم باشد. اگر مایی که جز یک خودکار وسیله دیگری نداریم برای ورزش "سایه شوم" باشیم رسانه‌هایی که با ندانم‌کاری‌ها، باند بازی‌ها و میدان دادن به چند چهره‌های وحدت شکن به نابودی و فتنای برخی از رشته‌ها کمر همت بسته‌اند باید چه نام و عنوانی بنهند؟

مگر ما دفتر و دستک و زمین ورزشی و سالن و امکانات مختلفی در اختیار داریم که با سوءاستفاده از آن‌ها به "سایه شوم" ورزش تبدیل بشویم و آیا ما برای دور کردن افراد صالح و کارنامه دار از ورزش برنامه‌ریزی می‌کنیم که "سایه شوم" ورزش باشیم. اگر گفتن واقعیت‌ها و بازکردن مشت دروغ‌گویان و سوءاستفاده‌کنندگان ناشی از سایه شوم ما باشد ما به این شوم بودن سایه مان افتخار می‌کنیم.

روز دیگر به بهانه‌های نخ‌نماشده سال‌های نه‌چندان دور پناه می‌برند. می‌گویند که در واگذاری تیم دسته‌دومی شهرداری به بخش خصوصی دخیل بوده‌ایم.. مگر رییس شورای شهر بودیم یا شهردار و مدیرکل ورزش و جوانان بودیم که صاحب

در آستانه سال جدید قرار گرفته‌ایم، باید خدا را شاکر و سپاس‌گزار بود که در سال ۱۴۰۰ تا به این جای کار امکان نفس‌کشیدن و ادامه حیات را به ما ارزانی فرموده است. ورزش استان یک‌سال دیگر را پشت سر می‌گذارد. سالی که با موفقیت‌ها و شکست‌ها همراه بوده است و اگر خوب بررسی شود به نظر می‌رسد امکان چربیش شکست‌های آن بر موفقیت‌ها بیشتر است.

امیدواریم که به‌هنگام تحویل سال نو، عده‌ای به خود آیند و از راه و روش غلطی که در پیش گرفته و با ظاهرسازی و چرب‌زبانی برای همه نقش بازی می‌کنند را ترک نمایند و صداقت و راستی را برای سال جدید در برنامه‌های عملی‌شان قرار بدهند.

عده‌ای که در زیر اسامی ساختگی و در فضای مجازی با آبروی افراد بازی می‌کنند و احیاناً با ساخت و پاخت و زدوبندهای پشت پرده، قلم اجاره می‌کنند و برای بستن دهان منتقدان از هر راهی استفاده کرده و خدا را فراموش می‌کنند در نهایت نمی‌توانند کاری از پیش ببرند.

خوش به حال آن‌هایی که در هر کار و اقدام‌شان، خدا را در نظر می‌گیرند، اگر می‌نویسند، اگر می‌گویند و اگر در فضای مجازی جولان می‌دهند در فکر آینده خود باشند و با مردم روراست باشند تا بتوانند نامی نیک از خود به یادگار بگذارند.

خوش آن که نام نکویی به یادگار گذاشت

که عمر بی‌ثمر نیک عمر بی‌ثمریست

کسی که در طلب نام نیک رنج کشید

اگر چه نام و نشانیش نیست، ناموریست است

انتقادپذیری

در ورزش استان مازلفیتی به نام انتقادپذیری در حداقل میزان و اندازه است. روزگار بدی شده است. هیچ احدی تحمل شنیدن جمله‌ی معروف بـ"الای چشم و ابروست" را ندارند. کاش در چنین مواردی با یک تماس و گلابیه و ارائه دلیل و مستندات، کارها ختم به خیر می‌شد ولی هر کسی ککه به عنوان منتقد بشناخته شود باید خودش را برای مقابله با انواع حملات، تهمت‌ها و ناجوانمردی‌ها آماده بکند.

عده‌ای نوجه‌هایی دارند که در فضای مجازی سینه چاکی می‌کنند و هر چه دل‌تنگشان می‌خواهد، می‌گویند و منتشر می‌کنند و خلاصه آن‌ها اجیر شده‌هایی هستند که شرافت را با چندرغازی معامله کرده و به فردای قیامت و ایستادن در پیشگاه احدیت، فکر نمی‌کنند و به گندم ناهای جو فروش فرصت ابراز وجود می‌دهند.

آن‌هایی که دستی در آتش دارند و در ورزش اردبیل صاحب قدرت و منصب هستند، منتقدان را دوست خود بدانند و از اطرافیان چند چهره و نان به نرخ روز خور دوری نمایند.

از مهر دوستان ریاکار خوش‌تر است

دشنام دشمنی که چو آیینه راستگوست

پروین نشان دوست، درستی و راستی است

دانشگاه

ادامه از صفحه ۶

عنوان بودیم و قرارداد داشتیم و حقوق می گرفتیم؟ مگر از مسئولیت هایی چون مربی، مدیر فنی و مشاور برخوردار بودیم و از امکانات باشگاه بهره می بردیم و از آن ها استفاده شخصی می کردیم؟ اگر صاحب این قدر قدرت بودیم پس چرا ما خود خبر نداشتیم. دیگران از کنار تیم شهرداری خوردند و نوش جان کردند و قراردادها بستند و پول ها گرفتند و حالا برای خاموش کردن ما به این حيله ها و دروغ پردازی ها روی می آورند؟

و یا افاضه می فرمایند که احد شیخ لاری را بنده تیم شهرداری آورد. در جلسه ای که با شرکت نزدیک به بیست نفر به عنوان کمیته مشورتی در حضور شهردار وقت تشکیل شده بود من نیز حضور داشتم. پس من به جای ۲۰ نفر رای داده ام و به قول آقایان، همه عزیزان در آن جلسه دکوری بیش نبوده اند؟

من خبرنگار اگر از چنین نفوذی برخوردار بودم پس کسانی که به لکنگر خورده لنگر انداخته در ورزش معروف هستند باید سال ها قبل غزل خداحافظی از صحنه مدیریت را می خواندند.

عاملان این بی اخلاقی ها چهره هایی شناخته شده هستند. آن هایی هستند که به ظاهر ادعای مسلمانی دارند ولی در باطن جز تلاش برای تثبیت خائنین به ورزش کار دیگری نمی کنند.

حسن خلقی ز خدا می طلبم خوی تو را تا دگر خاطر ما از تو پریشان نشود

سیمای آدمها

عده ای مدام از دوستی و ارادت و مردانگی دم می زنند. مدام خود را دلسوز ورزش نشان داده و برای اداره امور آن خود را شایسته تر از دیگران می دانند. آن ها کاری جز فتنه انگیزی و دلسرد کردن خادمین واقعی ورزش ندارند. آن ها دشمنانی هستند در لباس دوست که در سال های اخیر بیشترین ضربه هارو متوجه ورزش کرده اند. در تاریکی و غبار، سیمای چنین آدم هایی نمایان نیست، مردم حرفشان را می شنوند اما چهره شان معلوم نیست، ماهیت شان ناپیداست، وقتی غبارها بنشینند، زیر غبار رفته ها دوباره باز و شفاف می شوند و آدمها معلوم و چهره ها عریان.

امیدواریم که غبارها در سال جدید فرونشینند و چهره دشمنان ورزش، خائنین برخی از رشته ها و چند چهره های شیطان صفت عریان شود و عرق شرم و پشیمانی بر پیشانی آن ها جا خوش نماید. ان شاء الله.

لیگ به اصطلاح برتر فوتبال و چند نکته

جاری در رقابت های لیگ فوتبال در سطح کشور در استان اردبیل نیز جاری و ساری گردد. دیگر شاهد نباشیم که تصمیم گیری در اتفاق روی داده در هفته اول به پایان لیگ موکول گردد. مسابقات عقب افتاده به هر دلیل و علتی باید به موقع برگزار گردد. از نظر تعداد بازی های انجام یافته، فاصله عمیق بین تیم ها ایجاد نشود و به طور کلی قانون و عرف موجود در دستور کار قرار گیرد و بدین وسیله به همه اما و اگرها و احیاناً حرف و حدیث های در ارتباط با جانبداری از برخی ها پایان داده شود.

امانتداری

در نهایت در هر رویدادی اگر قانون و مقررات حرف اول و آخر را بزند، هیچ مشکلی بر سر راه آن نمی تواند قد علم بکند. آن هایی که در برگزاری رقابت ها فوتبال با هر عنوان و منصبی که دخالت داشته باشند امانت دار محسوب می شوند. اگر در حفظ امانت و رفتار بی طرفانه همت نکنند و در قبال هر حرکت غیرقانونی موضع گیری نکرده و از ترس از دست دادن موقعیت سکوت اختیار بکنند، بدانند و بدانیم که در حفظ امانت کوتاهی کرده و باید فردای قیامت در پیشگاه احدیت و دادگاه عدل الهی پاسخگو باشند. در آن دادگاه اساسنامه و آئین نامه و تفسیر به رأی چاره ساز نخواهد بود. از آن لحظه ها بترسیم و در دنیای ورزش و فوتبال حق را به حقدار برسانیم.

بدون شک با گذشت زمان و تا پایان دور رفت می توان قضاوت کرد که آیا درب فوتبال و لیگ به اصطلاح برتر بر پاشنه قلی می چرخد و یا تحولاتی در جهت بهبود کیفیت و حفظ بی طرفی انجام گرفته است.

در مسابقات فوتبال و فوتسال حضور کمیته انضباطی فعال در صحنه از ضروریات می باشد. هیئت فوتبال استان محبت کند و برگواری نماید و رئیس کمیته انضباطی و اعضای آن را جهت آشنایی تیم ها و رسانه ها به طور رسمی معرفی بکند.

اتفاقات و حوادثی که در هر رقابت روی می دهد تصمیم گیری و برخورد با کمیته انضباطی است و رئیس کمیته باید در قبال تصمیمات اتخاذ شده جوابگو باشد. پس معرفی وی به جامعه ورزش و فوتبال لازم است. آیا در فصل جاری رقابت ها این امر تحقق خواهد یافت؟ شما علاقه مندان امیدوار باشید، ما زیاد خوشبین نیستیم.

جدول رده بندی

سال هاست که جدول رده بندی لیگ به اصطلاح برتر به معمای بزرگ آن تبدیل شده است. معمولاً در هفته های اول و دوم به این کار اقدام می شود ولی به مرور، جدول به اسرار مگو تبدیل می شده و دسترسی به آن و اطلاع یافتن از حال و روز تیم ها به یک کار غیر ممکن تبدیل می شود.

اگر قصد و غرضی در کار نیست و اگر رسانه ها و دوستداران فوتبال را غریبه و نامحرم تشخیص ندهند و فرار گرفتن در جریان امور را حق مسلم مردم بدانند نیازی به محرمانه کردن جدول لیگ برتر فوتبال استان نیست.

اگر در فصل جاری و در پایان هر هفته به طور مرتب از طریق منابع اطلاع رسانی هیئت، این کار صورت نگیرد باید به مسائلی که در رابطه با عدم ارائه به موقع جدول رده بندی گفته می شود ایمان آورد و با شک و تردید به همه ادعاها نگاه کرد.

قانون و مقررات

انتظار می رود که همه مقررات موجود و

به مبارکی و سلامتی، لیگ به اصطلاح برتر استان آغاز شده است. زمان آغاز رقابت های لیگ برتر در استان از یک تاریخ مشخص پیروی نمی کند. گویا تابع اوضاع سوق الجیشی، موقعیت زمانی و مکانی، در عرق نبودن قمر، انتخابات مختلف و بدی آب و هوا می باشد.

آغاز لیگ برتر در اسفندماه، انشالله که در راستای آماده کردن زمینه مساعد برای انتخابات هیئت فوتبال استان نباشد.

پیشرفت و توسعه فوتبال در یک منطقه بدون مسابقات منظم، مرتب و قانونمدار امکان پذیر نمی باشد. امیدواریم برگزار کنندگان این لیگ، حداقل تصمیم بگیرند که امسال رقابت ها را بدون حاشیه و در چارچوب مقررات موجود برگزار بکنند.

هرچند که معتقدیم گوشی برای شنیدن برخی از پیشنهادات وجود ندارد اما بر حکم وظیفه، نکاتی را یادآوری می کنیم.

چگونگی حضور تیم ها

مقررات در گام اول باید در ارتباط با چگونگی حضور تیم ها در لیگ برتر به مورد اجرا گذاشته می شد. تیم هایی که در لیگ برتر هستند حتماً باید شرایط خاص و ویژه ای داشته باشند و چقدر زیبا می شود که کمیته برگزار کننده مسابقات، ویژگی ها و برخورداری هر یک از تیم ها از شرایط حضور در لیگ برتر را اطلاع رسانی کرده و شفاف سازی نماید.

تجربه نشان داده است صدور مجوز برای تیم های محروم از حداقل امکانات، برای حضور در یک تورنمنت، نتیجه مطلوبی نداشته و بیشتر در میانه راه مسابقات، کناره گیری کرده و بدین ترتیب مسابقات، با حضور این قبیل تیم ها زیر سؤال می رود.

کمیته انضباطی

پایگاه خبری تحلیلی ناظر ورزش

اولین پایگاه خبری ورزشی در استان اردبیل

Nazerevarzesh.ir



آمارسازان ماهر

ملا نصرالدین ماهی خرید و به خانه آورد. به زنش گفت آن را عربان کند. در اثنای پختن ماهی ملا را خواب برد و زن به تنهایی ماهی را تماماً بخورد و دستان ملا را با روغن ماهی بپالود.

وقتی ملا از خواب بیدار شد، مطالبه ماهی کرد.

زن گفت: خوردی و فراموش کردی، دستت را بو کن.

ملا دست خود را بوید و گفت: آری دستم به خوردن ماهی گواهی می دهد اما شکم ام تکذیب می کند و فریاد گرسنگی سر می دهد.

این داستان در شرح حال آن دسته از مدیرانی است که سعی می کنند کارنامه خود را با ارائه یک سری آمار و ارقام پرپرا نشان بدهند. مدام فریاد بر می آورند که در حوزه مدیریت، تحول آفریده اند و نوآوری کرده و طرح نو در انداخته اند.

وقتی تریبون برای صحبت به دست می آورند امکان ندارد فرصت ها را از دست بدهند. مدینه فاضله ای را برای مخاطبان ترسیم کرده و خود را قهرمان بلامنازع عرصه مدیریت تلقی می کنند.

شنونده وقتی ادعاها را با واقعیت های موجود مقایسه می کند داستان ملا نصرالدین پیش می آید. مسئول مدعی می شود که حوزه مدیریت اش را گلستان کرده است و حقیقت موجود می گوید که تا گلستان شدن فاصله ای بس زیاد وجود دارد.

آمارسازان ماهر و قهار که عمر مدیریت خود را وابسته به آن می بینند چگونه در قبال وجدان خود احساس شرمندگی نکرده و همچنان به این کار زشت و چندش آور ادامه می دهند؟ آیا آن ها در اندیشه فردای قیامت نیستند؟ در محضر پروردگار چگونه جوابگوی دروغ ها و اعداد و ارقام ساختگی خواهند شد؟

ادعاهایی که برخی از مدیران در حوزه های مختلف می کنند وقتی موشکافانه مورد بررسی قرار گیرد واقعیت ها بیشتر چهره خود را نشان می دهد. تکیه بر چنین آمارهایی به آن چه که موجود است اثر فزاینده ای نمی تواند داشته باشد.

آمارسازی ها موجب می شود که توجه به هر بخش به میزان قابل توجهی کاهش پیدا بکند و این ظلمی بزرگ در حق مردم می تواند باشد.

بپذیریم که آمارسازی مشکلات را حل نخواهد کرد. برای رسیدن به توسعه در هر بخش، حرکت اصولی بر اساس برنامه و به کارگیری نیروهای متعهد، مدیر و مدبر مورد نیاز است. دروغگویی ها و وارونه جلوه دادن واقعیت ها هیچ دردی از دردها و مشکلی از مشکلات جامعه را نمی توانند حل بکنند. یا حق.

کاراته استان اوج می گیرد به شرطی که

ایرج عطایی رئیس هیئت کاراته استان اردبیل شد و بعد از مدت ها فضای مجازی و به خصوص اینستا از دست تعدد پست ها در مورد این رویداد، به راحتی نفس کشید.

کاراته استان از جمله رشته های ورزشی پرطرفدار و با سابقه درخشان استان است. در اردبیل، پارس آباد، گرمی و ... کاراته با استقبال قابل توجه جوانان و نوجوانان روبروست و همین امر موجب بروز چهره های مطرحی در این رشته بوده است.

بعد از مدت ها بلاتکلیفی با رأی اعضای مجمع، سرنوشت مدیریت آن برای چهار سال آینده مشخص شد. مجمع به وظیفه ای که بر عهده داشت عمل کرد و از این به بعد نوبت خانواده کاراته استان است که این کانون را گرم نگه دارند و روزهای خوبی برای آینده آن رقم بزنند.

مربیان بزرگ، اساتید بزرگوار، انسان های وارسته و جوانان خوش نام و با وقار از سرمایه های اصلی کاراته استان محسوب می شوند. این سرمایه ها برای جامعه ورزش و علاقه مندان به کاراته قابل احترام هستند و عزیز. بنابراین از همه آن ها انتظار می رود که از همین امروز برای سربلندی کاراته فکر بکنند و به حرف و حدیث های ایام قبل از برگزاری مجمع انتخاباتی خط قرمز بکشند.

کاراته همواره برای استان مدال آور و افتخار آفرین بوده است. اگر وحدت و همدلی نباشد بازگرداندن کاراته به روزهای اوج گذشته غیر ممکن خواهد بود.

انتظار می رود بزرگان این رشته از ایجاد جو وحدت و صمیمیت در خانواده کاراته حمایت بکنند و خود الگویی برای جوانان در زمینه توجه به احیای دوباره این رشته و افتخار آفرینی های آن باشند.

قدم اول در هموار کردن مسیر را باید رئیس هیئت کاراته استان بردارد. ایرج عطایی اگر پرچم یكدلی در عرصه کاراته استان را برافراشته کند و دست همکاری به سوی همه صاحب نظران، بزرگان، اساتید و مربیان نام آشنای این رشته دراز نماید و بهره بردن از تجربیات، مشاورت و راهنمایی های آن ها را با جان و دل پذیرا باشد کاراته استان به اوج می رسد و فضای آن را دوستی ها، محبت ها و یک رنگی ها پر می کند.

ناگفته پیداست که اگر دست همکاری عطایی به گرمی فشرده نشود امکان دستیابی به اهدافی که همه حرف اش را می زند ممکن نمی شود. پس در یک اقدام متقابل که منشأ آن همکاری و صمیمیت و نجات کاراته از حال و روز فعلی اش باشد می توان سنگ آن را به سینه زد و برایش ایام بسیار مساعد و پربراری آرزو کرد.

امیدواریم همه اساتید و بزرگان کاراته فارغ از موضعگیری های قبل از انتخابات برای کمک به کاراته کمر همت ببندند و در سال جدید برای این رشته برنامه های سازنده ای را تدارک ببینند.